

تحلیل تشبیه از منظر تصویر و مضمون در «ناظر و منظور»

* دکتر احمد کریمی

** زهرا شمسی پور لنگرودی

چکیده:

این مقاله به تحلیل تشبیه از منظر تصویر و مضمون در «ناظر و منظور» پرداخته است. زیورهای بیانی نهرهایی زلالند که به آبگیر سخن جاری شده، آن را پویا و گوارا می سازند. از این رهگذر توسل به دامن تشبیه، کلام را قوی تر و تأثیر آن را بیشتر می کند. سبک وحشی بافقی کلاسیک و تصاویر در اشعارش عینی و نمایان است. تشبیهات بلیغ اضافی در بالاترین بسامد، نشان از توجه خاص شاعر به رساترین و زیباترین نوع تشبیه دارد. در تشبیهات مرسل کاربرد واژگانی نظیر: به رنگ، بر صورت، صفت، عین، آسا و ... به عنوان ادات تشبیه از نشانه های سبکی شاعر محسوب می شود. زبان ساده شاعر سبب آفرینش تشبیهات حسّی به حسّی فراوانی می گردد. از حیث شکل، تشبیه مفروق بیشترین تصاویر را می سازند. در «ناظر و منظور» عناصر انتزاعی و شهزاده منظور بیشترین تصاویر را تشکیل می دهند. علاقه ی شاعر به محیط پیرامونش سبب می شود تا به اعتبار مشبّه به، اشیا و عناصر طبیعی در هر دو اثر بیشترین تصاویر جاندار و پویا را پدید آورند. شاعر با به کارگیری عواملی نظیر: اغراق در تشبیه، تلفیق آرایه های تشخیص، تناسب، حُسن تعلیل و گرایش به توصیف، تصاویری ماندگار خلق می کند. مضامین اخلاقی و حکمی، همچنین تصاویر عاشقانه ی «ناظر و منظور» علاوه بر التذاذ ادبی و حظّ عاطفی، بر اندیشه و افکار انسان نیز تأثیر گذار است.

واژه های کلیدی: تشبیه، تصویر، مضمون، ناظر و منظور

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

** دانش آموخته ی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۸/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

مقدمه:

وحشی بافقی شاهبازی بلندپرواز در مکتب وقوع و واسوخت به شمار می رود. شاعر «ناظر و منظور» را به اقتفا از خسرو شیرین نظامی گنجوی سروده است. وی بسان نقاشی چیره دست، تصاویر شعری دل انگیزی خلق نموده است. چگونگی نمایش اندیشه ها و احساساتش زیبایی آثار وی را آشکار می سازد. وی با بهره گیری از عناصر زیبا ساز کلام برای القای معانی و تخیلات و تفکرات خویش سود می جوید. معانی دور را نزدیک و رفعت و وضوح معانی را افزون می سازد و لباس شرف و ارج بر اندیشه و احساس می پوشاند. «خیال» شاعر بسان عمود خیمه ی هنر است. «معانی»، ساکنان این خیمه و «عواطف» آغوش گرم خانواده ی صحرانشین. تشبیه ابزاری است که نهفته های انسانی را در کسوتی جذاب و گیرا جلوه گر می سازد.

در این مقاله عنصر تشبیه از منظر تصویر و مضمون در مثنوی «ناظر و منظور» نقد می شود. این امر به منظور بررسی جنبه های تصویر ساز اشعار، همچنین برجسته سازی و شناخت تصاویر از حیث مضمون و محتوا تحلیل شده است. نبود مجموعه ای مدون در این زمینه، انگیزه و ضرورت نگارش آن را ایجاب نموده است. برای دست یابی به اهداف مورد نظربه شیوه ی کتابخانه ای و فیش برداری ابیات نقد و توصیف شده اند. همچنین هاله های تصویری، نمودار آماری و جداول هر یک نشان داده شده است.

گویی تشبیه با جادوی خیال، آنچه را غایب است و پنهان، حاضر می کند و عیان. «تشبیه هسته ی اصلی و مرکزی اغلب خیال های شاعرانه است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۴)

این عنصر خیالی برحسب دوری و نزدیکی، روشنی و تاریکی مشبه و مشبه به و صفات آنها، به میزان نیروی خلاقانه ی شاعر گونه های مختلف می یابد و بسان آفتابی، شعاع آن اجرام بشمارای را روشن می کند. اهمیت تشبیه در تصویر سازی به حدی است که دکتر شفیعی کدکنی در تعریف تصویر آن را اولین مقوله ذکر می کند: «مجموعه ی تصرفات بیانی و مجازی (از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تشخیص و ...) تصویر نامیده می شود.» (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۸۳: ۵۶)

«تصویر حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر است به وسیله ی کلمات در دو نقطه ی معین (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۱۴)

سکاکی ارزش تشبیه را چنین بیان کرده است: «در یک تشبیه، تمام تلاش ها برای برکشیدن مشبه است، بنا بر این سود حاصل از تشبیه نصیب مشبه می شود.» (سکاکی، ۱۳۷۹: ۴۴۸)

«هدف از تشبیه غالباً بر کشیدن و کمال بخشیدن مشبه است.» (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۷۳)

نقد و بررسی:

تشبیه بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت نمایی است. در علم بیان، از گذشته تا کنون، اهمیت خاص تشبیه، نزد بزرگان ادب فارسی بر کسی پوشیده نیست. «نخستین، شایسته ترین و سزاوارترین چیزی که باید در آن به طور کامل اندیشیده و دقت شود بررسی تشبیه است.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۶)

در این مقاله، پیام ها و تصاویر در حوزه ی تشبیه، در مثنوی «ناظر و منظور» از سه دیدگاه مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد:

الف) تعریف تشبیه: اساس صور خیال احساس و تأثر است و عامل عمده ی آن، تشبیه است. تشبیه همانندی شیء یا حالتی به چیزی دیگر با ویژگی یا صفات مشترک است. «تشبیه در اصطلاح عبارت است از برقراری مشابهت بین دو یا چند چیز به قصد اشتراکشان در یک یا چند صفت.» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۲۵۵)

رشیدالدین وطواط تشبیه را چنین تعریف کرده است: « این صنعت چنان بود که دبیر یا شاعر چیزی را به چیزی مانند کند در صفتی از صفات . » (رشیدالدین وطواط، ۱۳۶۲: ۴۲)

ب) ساختار و شکل: از منظر تصویر به انواع تشبیه از لحاظ شکل و ساختار پرداخته شده است. بر این اساس، تشبیهات مفروق بالاترین بسامد را از نظر شکل به خود اختصاص داده اند. از نظر ساختار، تشبیهات بلیغ اضافی از نوع حسّی به حسّی بیشترین درصد فراوانی را داشته اند. تشبیهات مفرد در مقایسه با مقید و مرکب بسامد بیشتری داشته، وجه شبه تخیلی بسیار زیبا به وفور دیده شده است. در بررسی تشبیه به اعتبار موضوع مشبه، در «ناظر و منظور» عناصر انتزاعی و شهزاده منظور از بسامد بالاتری برخوردار بوده اند. در این اثر بیشترین عناصر سازنده ی تصاویر به اعتبار مشبه به، اشیا و عناصر طبیعی است.

ج) مضمون و محتوا: در «ناظر و منظور» که شامل داستان هایی عاشقانه می باشد علاوه بر تشکیل تصاویر زیبای عاشقانه، پند و اندرزهای حکیمانه، مفاهیم ارزشی، انسانی و اخلاقی به وفور یافت شده است. بنابراین، شاعر با بیانی ساده و روان، علاوه بر خلق تصاویری نغز و دلکش و ایجاد التذاذ ادبی و حظّ عاطفی بر اندیشه های ناب ارزشمند اخلاقی و حکمی اثربخش بوده و بستر تقویت آن ها را فراهم می آورد.

الف: فصل اوّل) تحلیل تصاویر از حیث ساختار و شکل:

از حیث ساختار و شکل، تشبیهات ذیل نمود داشته اند:

۱- تشبیه مرسل (صریح):

«تشبیهی است که در آن ادات ذکر شود.» (تجلیل، ۱۳۶۲: ۵۷)

به عبارت دیگر، تشبیه صریح «آن است که بعضی از کلمات تشبیه در آن مستعمل باشد.» (رازی، شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۰۷)

در این نوع تشبیه با ذکر ادات، تصاویر از حرکت و پویایی برخوردارند. یکی از ابتکارات خاصّ شاعر در این بخش، کاربرد حروف الفبا در ارکان اصلی تشبیه است که به قصد تصویر آفرینی و غنا بخشیدن زیبایی به اشعار صورت گرفته است.

نمونه ابیات در «ناظر و منظور»

الف قدان بسی با لعل چون نوش چو شمعی پیش تابوتش سیه پوش (وحشی بافقی، ص ۸۱ب ۱۴۴۰)

شاعر قدّ شهزاده منظور را در رعنائی به (الف) مانند کرده است.

در بیتی دیگر: تعظیم و اکرام چرخ را در مقابل ساحت با عظمت و نام پیامبر اکرم(ص) به خمیده بودن حرف دال تشبیه کرده که به پای نگین آفرینش محمّد (ص) افتاده و بر آن بوسه می زند.

بزرگی بین که خم شد چرخ از اکرام که همچون دال بوسد پای این نام (همان، ۱۰۰)

ابداع دیگر شاعر در این نوع تشبیه کاربرد واژگانی نظیر: به رنگ، صفت، بر صورت، آسا، عین، سان و ... به عنوان ادات تشبیه است که از نشانه های سبکی شاعر محسوب می شود. این واژگان به تشبیهات رنگ و بویی تازه بخشیده و از رهگذر آن ها تصاویر دلچسب و زیبایی خلق شده است.

«بعضی از اسم ها که افاده ی معنی مشابهت می نمایند با کلمه ی دیگر ترکیب می شوند و کاری شبیه به کار پسوند مشابهت می کنند. این قبیل واژه ها شبه پسوند نام دارند که عبارتند از: وضع، سرشت، کردار، صفت، مثال، رنگ و ...» (فرشید ورد، ۱۳۶۳: ۴۳۶)

(۱) «ص» نشانه‌ی اختصاری صفحه و «ب» نشانه‌ی اختصاری بیت است که بر اساس مثنوی ناظر و منظور از دیوان کامل وحشی بافقی با مقدمه‌ی استاد سعید نفیسی، حواشی از م. درویش اقتباس شده است. در «ناظر و منظور» وحشی بافقی نیز ابیاتی به چشم می‌خورند که در آنها شبهه پسوند ها به زیبایی به کارگرفته شده اند.

به نمونه‌هایی از این ابیات در ذیل اشاره می‌شود:

به رنگ چشم آهو مهره‌ی گل فلک بر صورت بال عنادل (ناظر و منظور، ص ۴۲۴ ب ۲۱۷)
شاعر برای مانند سازی مهره‌ی گل به چشم آهو و بال بلبلان به فلک، به ترتیب از شبهه پسوندهای به رنگ و بر صورت استفاده کرده است.

به کس عنقا صفت منمای دیدار ز مردم رو نهان کن کیمیا وار (همان، ۲۰۹۶)
در این بیت شاعر مخاطب خویش را به یاری واژه‌ی «صفت» مخاطب خویش را به عنقا تشبیه نموده است. قضا چون رایت هستی بر افراخت علم را عین نامش سر علم ساخت (همان، ۷۶۱)
به منظور برجسته‌نمایی قدرت سرنوشت از واژه‌ی «عین» به معنی مثل و مانند بهره‌جسته تا بدین گونه با اغراق پیوند و رابطه‌ی تشبیه را برقرار سازد.

پی پشتش صفی را ناوک آسا نهاده بر عقب از جای خود پا (همان، ۱۵۸۸)
در این بیت آمادگی صف‌های پشت سرهم در میدان نبرد به کمک کلمه‌ی «آسا» به تیری که منتظر رها شدن از کمان است تشبیه شده است.

برای پاس آن پاکیزه گوهر گروهی حلقه سان ماندند بر در (همان، ۱۵۴۸)
شاعر گردهمایی جمعی از مردم را به حلقه‌ای دایره‌ای مانند کرده و برای نشان دادن رابطه‌ی تشبیه از واژه‌ی «سان» بهره‌گرفته است.

۲- تشبیه مفصل:

«به تشبیه‌ی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد تشبیه مفصل گویند.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۶۰)
در تشبیه مفصل، با ذکر وجه شبه گویا قصد شاعر از یک سو اقتناع عواطف درونی و همدلی مخاطب و از دیگر سو انتقال پیام اخلاقی و حکمی است. این نوع تشبیه با داشتن همه‌ی ارکان، سادگی بیان شعر را اثبات می‌کند.

نمونه ابیات تشبیه مفصل:

چو پروانه دلم را اضطرابی چو شمع در رگ جان پیچ و تاب (وحشی بافقی، ص ۴۲۴)
(۲۲۲)

شاعر در این بیت برای اینکه از یک سو شدت پریشانی اش را به مخاطب منتقل کرده و از سویی دیگر شنونده را با احساسات درونی خویش همراه سازد، شیدایی دل خود را به پروانه‌ای مضطرب مانند کرده و وجود خویش را به شمعی تشبیه کرده که در درونش آشوب و غوغایی برپاست. همچنین با ذکر وجه شبه‌ها (اضطراب و پیچ و تاب داشتن) به روشنی، حالات باطنی و ظاهری خود را به تصویر کشیده است.

چرا چون جغد در جیب آوری سر از این ویرانه یک دم سر برآور (همان، ۲۳۸)
به جهت ویژگی خاص جغد که به نوعی سمبل شومی می‌باشد شاعر به مخاطب بدیمن، شرمنده و منزوی خویش بدین وسیله تلنگری می‌زند که از لاک خویش بیرون بیاید.

ادیب افکند سر چون خامه در پیش بسی پیچیده همچون نامه بر خویش (همان، ۵۵۵)

شاعر برای اینکه نهایت اندوه و شدت درد جانکاه ادیب را به وضوح نشان دهد چنین صحنه آرای می کند که ادیب همانند قلم سرش را پایین انداخته و به سان نامه و طوماری (که معمولاً به صورت فشرده می پیچیدند) بسیار در فشار بوده و گویا از ناراحتی فراوان به خود می پیچیده است .
وجه شبه مصراع اول : سر در پیش آوردن ، وجه شبه مصراع دوم بر خویش پیچیدن
۳- تشبیه مجمل:

« به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد تشبیه مجمل گویند . » (شمیسا، ۱۳۷۰: ۶۰)
در تشبیه مجمل، با حذف وجه شبه خواننده نیاز به تأملی ژرف برای دست یابی به اجزا و مفهوم شعر دارد. از آنجا که از ویژگی های مکتب وقوع و واسوخت (سبک وحشی بافقی) ساده سرایی است، لذا در دو اثر مورد نقد، این نوع تشبیه نمود چشمگیری نداشته است. گویا این نوع تشبیه، چندان مورد توجه شاعر نبوده ، به طوری که بر اساس بازبینی موشکافانه جز چند نمونه ی انگشت شمار ، شاهد مثال فراوانی به چشم نخورده است . نمونه ها یی از تشبیه مجمل:

پناه خیل گردان قوی تن سپر مانند بر سر خود آهن (وحشی بافقی، ص ۶۰، ۱۰۲۴)
از آنجا که در میدان مبارزه و کارزار سپاهیان جنگجوی پهلوان برای محافظت از پیکر و سر خویش از سپر و کلاه خود استفاده می کرده اند لذا شاعر با توجّه به طرفین تشبیه و شباهت ویژگی های آن ها از آوردن وجه شبه خودداری کرده است .

وز آنجا شد پریشان سوی منزل رخی چون کاه و کوه درد بر دل (همان، ۵۳۳)
از ویژگی های بارز کاه رنگ زرد آن است که به عنوان نماد برای به تصویر کشیدن رنگ پریدگی و زردی صورت آن را به کاه مانند می کرده اند. همچنین شاعر با اغراق فراوان درد و اندوه را به کوهی تشبیه کرده که به آسانی از وجود فرد مورد نظر (شهزاده منظور) رخت نخواهد بست و همواره چون کوهی بردلش سنگینی می کند.

۴- تشبیه مؤکّد (تشبیه کنایت):

«آن است که خالی باشد از حروف تشبیه» (رازی، شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۰۸)
این نوع تشبیه را مطلق نیز گفته اند: «وآن چنان باشد که چیزی را به چیزی مانند کنند، و تشبیه را منعکس گردانند و مشبّه به را، به مشبّه تشبیه کنند، و وجه شبه غیر مذکور باشد.» (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۰۷)

این نوع تشبیه به دلیل حذف ادات، تلاش ذهنی بیشتری را می طلبد. همچنین بر تأثیر کلام می افزاید. لذا از دو جنبه نقد می شود: الف) مجزاً از تشبیه بلیغ ب) در دسته بندی تشبیه بلیغ. در این بررسی شاعر توجه چندان به نوع الف نداشته است حال آن که توجه ویژه و خاص او و علاقه ی وافرش به تشبیه بلیغ باعث ایجاد تصاویر بسیاری از این دست شده است که در ذیل مفصلاً شرح داده می شود. در اینجا به بیتی که مجزاً از تشبیه بلیغ است اشاره می گردد:
نمونه ی تشبیه مؤکّد:

یلان بستند، صف در دور زنجیر زهر سو پر زنان شد طایر تیر (وحشی بافقی، ص ۵۳، ۸۵۳)
شاعر برای به تصویر کشیدن صحنه ی میدان جنگ و مجسم ساختن پرتاب تیر از جهات مختلف، آن را به پرنده ای که دائماً از هر سو در حال پرواز است تشبیه کرده است تا بدین وسیله تصاویری واقعی در ذهن انسان تداعی شود .

۵- تشبیه بلیغ:

جهت بررسی این نوع تشبیه لازم است مروری اجمالی به تقسیم بندی تشبیه بر مبنای نظر قدمای ادب فارسی و صاحب نظران فن بیان داشته باشیم :

الف: «بدان که تشبیه بر انواع است : تشبیه صریح و تشبیه کنایت و تشبیه مشروط و تشبیه معکوس و تشبیه مضمّر و تشبیه تسویت و تشبیه تفضیل.» (رازی، شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۰۶)

ب: «این [تشبیه را] در کتب صنعت شعر هفت قسم آورده اند : تشبیه مطلق ، تشبیه مشروط، تشبیه کنایت، تشبیه تسویت، تشبیه عکس ، تشبیه اضمار ، تشبیه تفضیل» (رشیدالدین و طواط، ۱۳۶۲: ۴۲)

ج: محمد بن عمر رادویانی در «ترجمان البلاغه» انواع تشبیه را چنین برمی شمارد: «فی التشبیه المکتبی - فی التشبیه المرجوع عنه - فی التشبیه الشرطی - فی التشبیه المزدوج» (رادویانی، ۱۳۶۲ ص ۵۳)

با توجه به تقسیم بندی های فوق در آن ها اثری از تشبیه بلیغ نیست ولی در کتاب «جواهر البلاغه» تشبیه به اعتبار ادات به سه قسم: مرسل ، موکّد و بلیغ تقسیم شده است که در اینجا به تفصیل درباره ی تشبیه بلیغ سخن به میان خواهد آمد :

«وآن تشبیهی است که ادات تشبیه ووجه شبه آن حذف شده و فقط طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به) ذکر شود تا اتحاد آند و عدم برتری آنها نسبت به هم رابه ذهن انسان القاء کند که در این صورت مشبه تا حدّ مشبه به بالا رفته و به معنای مبالغه در تشبیه می باشد.» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۲۸۳)

در این نوع تشبیه، حذف وجه شبه سبب کنکاش ذهنی و التذاذ ادبی می شود. به علاوه حذف ادات تشبیه، ادعای اتحاد و همسانی مشبه و مشبه به را قوت می بخشد. از آنجا که در عصر صفویّه مکتب هندی به دنبال مکتب وقوع و واسوخت، پایه گذاری شد، کاربرد وجه شبه و ادات تشبیه کاهش یافت. لذا وحشی بافقی نیز به تبعیت از این سبک، در سرودن اشعارش به تشبیه بلیغ توجه خاصّ داشته، مضافاً اینکه به جهت ایجاز در تشبیه، آن را با بالاترین بسامد مطمح نظر قرار داده است؛ که می توان آن را از نشانه های دیگر سبکی وی دانست. در واقع این نوع تشبیه همچون گوهری در صدف است که جز با شکافتن صدف ظاهر نمی شود و نیز مانند محبوب در حجابی است که چهره نمی گشاید مگر آنکه از او بخواهیم. در کتب کهن اثری از انواع تشبیه بلیغ دیده نشده است ، اما نویسندگان معاصر این نوع تشبیه را به دو دسته ی اضافی و غیر اضافی تقسیم کرده اند که در ذیل خواهد آمد:

۱-۵- انواع تشبیه بلیغ:

۱-۱-۵) تشبیه بلیغ اضافی :

عبارت از: «تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه به ، به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. مثل: قدّ سرو (اضافه ی مشبه ، به مشبه به)» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۱۰)

لازم به ذکر است در «ناظر و منظور» پر بسامد ترین نوع تشبیه از این دست می باشد.

نمونه ابیات تشبیه بلیغ اضافی:

به نور مهر مه را ره نمودی **نقاب ظلمت**ش از رخ گشودی (وحشی بافقی، ص ۴۱۳ ب ۷)

شاعر در مصرع نخست به واقعیتی علمی اشاره دارد که ماه نور و روشنی اش را مدیون خورشید است گویا در این امر در واقع راهنمای ماه نیز محسوب می شود و در مصرع دوم به زیبایی هرچه تمام تر از یک سو برای ماه چهره ی انسانی تصوّر می کند که در تاریکی به سر می برده است و خورشید با نور افشانی

خود نقاب از رخسار ظلمانی ماه برداشته و از آرایه ی تشخیص بهره جسته است ، و از سوی دیگر ظلمت را به نقاب تشبیه کرده و با ترکیب آن ها تصاویری نغزوقابل تجسم پدید آورده است.

در بیتی دیگر شاعر خطاب به خداوند به پاس بر شمردن نعمت هایی که به انسان ارزانی داشته است چنین می سراید:

به ده کسوت نمودی ارجمندش به تاج عقل کردی سربلندش (همان، ۱۹)
منظور از ده کسوت براساس نظر قدما پنج حسن ظاهری و پنج حسن باطنی و نهانی یعنی: «پنج بیرون (حواس پنجگانه) و پنج درون (اندیشه و یادگرفتن ، نگاه داشتن، و تخیل کردن، و تمییز و گفتار.)» (امیر عنصرالمعالی ، ۱۳۶۸ : ۳۰)

خداوند به واسطه ی ده کسوت انسان را اشرف مخلوقات قرار داده است و با اعطای عقل و خرد که همانند تاجی ارزنده و گرانقدر برای اوست سرافراز و گرامی اش نموده است.

به خار ظلم، این دریای پرشور چراغ معدلت را کرده بی نور (همان، ۲۰۲)
شاعر ظلم و ستم را به خار و معدلت و دادگری را به چراغ مانند کرده است تا از رهگذر این تشبیهات دریای پر شور را که نشان از دنیای پر از آشوب و غوغاست به تصویر بکشد. (این تعبیر بر اساس ابیات پیشین است که در ناظر و منظور آمده و به جهت محدودیت مقاله از آوردن آن خود داری شده است.)

۵-۱-۲) تشبیه بلیغ غیر اضافی (اسنادی) :

«تشبیهی که در آن ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده باشد می تواند به صورت غیر اضافی نیز به کار رود و در این صورت اغراق در آن به اوج می رسد زیرا در کلام ادعای همسان بودن قوی تر از ادعای شبیه بودن است .» (شمیسا ، ۱۳۷۰ : ۱۱۰)

نمونه ابیات تشبیه بلیغ غیر اضافی (اسنادی)

تو آن مرغ خوش الحانی در این باغ که از رشکت هزاران را بود داغ (وحشی بافقی، ص ۲۴۴ ب ۲۳۷)
شاعر مخاطب خویش را به مرغ خوش نوایی مانند کرده است که بلبلان خوشآواز به حال او غبطه می خورند.

زبان ازدها ، برگ گیاهش خم و پیچ افاعی ، کوره راهش (همان، ۵۰۷)

با اغراق و بزرگ نمایی فراوان، شاعر باغی که «ناظر» در رویای خویش با عشق وصال به «منظور» تصور کرده است این گونه به تصویر می کشد : در این باغ برگ گیاه همانند زبان ازدها بسیار بلند است و کوره راه آن همچون پیچ و خم مارهای افعی بوده است .

تقسیم بندی تشبیه به اعتبار حسّی و عقلی:

۱- تشبیه حسّی به حسّی:

در این نوع تشبیه «طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به) هر دو حسّی باشند یعنی با یکی از حواس پنجگانه ی ظاهری قابل درک باشند. » (هاشمی ، ۱۳۸۰ : ۲۵۸)

رابطه ی میان دو امر حسّی در تصویر، یک رابطه ی منطقی و محسوس است. این گونه تصاویر غالباً دو بعدی هستند. در این نوع تشبیه، شناخت جهان و اشیا همان گونه که هستند در ذهن بازتاب می یابند و دستخوش تصرف خیال شاعرانه نمی شوند، بلکه ذهن همانند آئینه در برابر طبیعت قرار دارد و طبیعت را

همان گونه که هست باز می نمایاند. این نوع تشبیهات، به واسطه ی حواس پنجگانه درک می شوند. در اشعار وحشی بافقی عواملی همچون: زبان ساده ی شاعر، ارتباط نزدیک با مخاطب و انتقال ساده ی پیام، سبب پدیدار شدن بالاترین بسامد در این بخش شده است. شاعر از رهگذر این نوع تشبیه، به زیبایی احساسات و اندیشه های مخاطب خویش را تحت سیطره خویش قرار می دهد و با خود همراه می سازد.

نمونه ابیات تشبیه حسّی به حسّی :

به خوبی شد چنان شهزاده منظور که در عالم چو خور گردید مشهور (وحشی بافقی، ص ۴۳۱ ب ۳۸۹)
گرد انگشت چندان که در مشت سیه سازد چونوک خامه انگشت (همان، ۵۷۳)
در این معدن که زر سیماب گردید به سان کیمیا نایاب گردید (همان، ۱۴۳۸)

با توجه به تعریف تشبیه حسّی به حسّی در ابیات فوق به روشنی نمایان است که واژه های مشخص شده با حواس پنجگانه قابل درک و حسّ می باشند. لذا شاعر نوعی رابطه ی شباهت از جهت زیبایی بین واژه های شهزاده منظور و خور (خورشید) در نظر گرفته است. از حیث شکل بین نوک قلم و انگشت همانندی وجود دارد لذا این دو واژه به یکدیگر تشبیه شده و به جهت ارزشمندی زر به کیمیا مانند گشته است.

۲- تشبیه عقلی به حسّی»

«گاه یک طرف تشبیه، حسّی و طرف دیگرش غیر محسوس است مثل اینکه بگوییم: مرگ مثل گرگ درنده است زیرا حقیقت مرگ مانند حیات با حواس ظاهر درک نمی شود و آنچه محسوس باشد از آثار خارجی آنهاست.» (همایی، ۱۳۶۸: ۲۳۰)

رایج ترین نوع تشبیه، عقلی به حسّی است؛ زیرا هدف تشبیه بیان و توضیح حال مشبه می باشد. شاعر به جهت برقراری ارتباط مؤثر و سریع با مخاطب از مشبه به های حسّی فراوانی استفاده کرده و تصاویر زیبایی آفریده است. شاعر در ابیات زیر برای نشان دادن بخشندگی و سخاوتمندی شهزاده منظور آن را یک بار به ابر و بار دیگر به گنج مانند کرده است.

نمونه هایی از تشبیه عقلی به حسّی:

صدف آبستن از ابر سخایش گهر بی قیمت از دست عطایش (وحشی بافقی، ص ۴۲۶ ب ۲۶۵)
گدایانیم از گنج سخایت نهاده چشم بر راه عطایت (همان، ۱۹۸)

۳- تشبیه حسّی به عقلی:

در این نوع تشبیه، از آنجا که مشبه به عقلی و انتزاعی است لذا تصوّر و تجسم چنین تشبیهاتی در برخی مواقع غیر منطقی به نظر می رسد. اما برخی ادیبان دیدگاهی متفاوت ارائه کرده اند. آن ها معتقدند: «میزان حسن و قبح تشبیه همانا، پسند و ناپسند ذوق سلیم و سلیقه ی مستقیم است و شرط، وجود خارجی داشتن یا قابل عکس کردن تشبیه نیست.» (همایی، ۱۳۶۳: ۲۳۲).

«تشبیه به اقتضای خود جنبه های متفاوتی از یک پدیده، شیء، حالت و ... را تصویر سازی می کند و مسائل کاملاً ذهنی را به طور عینی و محسوس در برابر چشمان خوانندگان به تصویر می کشد و بر عواطف آن ها تأثیر مستقیم بگذارد.» (شفیعی کدکنی، موسیقی در شعر فارسی، ۱۳۶۶: ۴۶)

با وجود این، وحشی بافقی با عنایت به دیدگاه نخست جز در مواردی نادر، چندان علاقه ای به سرودن این نوع تشبیهات از خود نشان نداده است.

نمونه ها یی از تشبیه حسّی به عقلی:

چو بخت من جهانی رفته در خواب من از افسانه ی اندوه بی تاب (وحشی بافقی، ص ۴۲۴ ب ۲۲۱)

در ا و هر گرد، خوانی آسمانی بر او اطلاق سیمین کهکشانی (همان، ۱۳۶۲) در ابیات فوق، «جهان» و «هر گرد» که از امور حسّی هستند به ترتیب به «بخت» و «خوان آسمانی» که اموری عقلی می باشند مانند شده اند.

۴- تشبیه عقلی به عقلی:

«تشبیه معقول به معقول است در این مورد نخستین و عمومی ترین مثال یک بار تشبیه وجود چیزی است به عدم و یک بار تشبیه عدم چیزی است به وجود.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۴۱)

«مشبه و مشبه به هر دو عقلی باشند (یعنی با عقل درک شوند) و بدان که امور عقلی غیر از امور حسّی است [یعنی هر چیزی که با حس قابل ادراک نباشد عقلی می باشد] بنا بر این عقلی هم شامل امور ذهنی می شود مانند اندیشیدن، آفریدن، بهره بردن، آرزو، علم، تیز هوشی و شجاعت و هم شامل امور وهمی می شود که عبارت است از چیزی که نه خود آن در خارج وجود دارد نه اجزای آن، ولی اگر وجود پیدا کند با یکی از حواس قابل درک است [مانند سیمرخ] و هم شامل امور وجدانی می شود و آن عبارت است از اموری که با قوای باطنی درک شوند مانند: غم و شادی، سیری و گرسنگی، تشنگی و سیرابی.» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۲۵۹)

در این نوع تشبیه از مشبه به عقلی، وجه شبه روشنی حاصل نمی شود تا حال مشبه، به کمک آن دریافت شود. لذا با آوردن وجه شبه و یا معرفت آن تصویری در ذهن قابل تصوّر خواهد بود. به علاوه توجه خاصّ شاعر به اصل کلام است نه محبوس شدن در صنایع ادبی. بدین سبب شاهد مثال فراوانی از این مقوله یافت نمی شود.

نمونه ی تشبیه عقلی به عقلی:

دهم مسواک و تسییح و توکل که دیو طبع را از آن کنم غل (وحشی بافقی، ص ۴۱۷ ب ۸۵)

در بیت فوق شاعر واژه ی طبع را که از امور عقلی و انتزاعی است به دیو که امری وهمی است و با حواس قابل درک نمی باشد مانند کرده است و معتقد است با عواملی نظیر توکل، عبادت و نظافت می توان آن را به بند کشید و مهار نمود.

تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب:

در تشبیه مفرد، تصوّر و تصویر یک هیئت یا یک چیز مورد نظر است در حالی که در تشبیه مقید، تصویر مفرد مقید و وابسته به قیدی است.

بیشترین نگاه شاعر در این بخش، به تشبیهات مفرد متمرکز می باشد. لازم به ذکر است که تشبیهات مقید و به ویژه مرکب نیز در آثارش دیده می شود که با وجود تعداد محدود، تصاویری بسیار نغز و دلکش پدید می آورد. در ذیل شاهد مثال هایی از هر یک آورده می شود:

نمونه ی تشبیه مفرد:

منم زین طوق چون قمری فغان ساز به یاد قدت ای سرو سرافراز (همان، ۱۰۵۶)

نمونه ی تشبیه مقید:

به سان چرخ، آن رخس سبک پی بیابانی به گامی ساختی طی (همان، ۸۷۱)

نمونه ابیات تشبیه مرکب:

(۱) خدنگ از ترکش ترکان خون دوست برون آمد به سان مار از پوست (همان، ۱۰۱۱)

شاعر در بیت فوق با خلق تصاویری عینی و حقیقی صحنه‌ی بیرون آمدن خدنگ از ترکش و شتاب این حرکت را به پوست اندازی مار تشبیه می‌کند و هیئتی زیبا می‌آفریند.

۲) پر از خونش دو چشم ناغوده
چو اخگرها ز خاکستر نموده (همان، ۱۱۸۶)

در این بیت: چشمانی به تصویر کشیده شده که از شدت بیخوابی غرق خون است. شاعر این تصاویر را بسان جرّقه‌های آتش که زیر خاکستر پنهان شده و ناگهان زبانه کشیده و سرخ و شعله ور گشته تجسم می‌کند.

چنان که ملاحظه می‌شود شاعر در پیدایش تشبیهات مرگب دستی توانا دارد. «تشبیهات مرگب هیئت متزع از چند چیز است و با زبان امروز، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آوردن آن نقش داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۷۰)

تصاویر حاصل از تشبیهات مرگب حاکی از ذوق هنری شاعر است. «تشبیه مرگب را با عناوین همانند سازی مرگب یا تشبیه پیوسته نیز نامیده اند.» (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۳۰)

از نامگذاری دکتر ثروتیان چنین استنباط می‌شود که در تشبیه مرگب، مصراع‌ها به گونه‌ای با یکدیگر امتزاج می‌یابند که تصاویر آن‌ها در کنار هم گره می‌خورند، و هر یک جداگانه در نظر گرفته نمی‌شوند.

اینک به مباحثی پیرامون انواع وجه شبه اشاره می‌شود:
بیشترین بسامد وجه شبه در «ناظر و منظور» از نوع مفرد می‌باشد. وجه شبه متعدّد و مرگب نمود چندان چشمگیری ندارد. با این وجود، همان تعداد اندک هنری و ارزشمند است.

نمونه ابیات وجه شبه مفرد، متعدّد و مرگب:

۱- وجه شبه مفرد: (آشکار شدن)

کمند سرکشان از هر کناره
به گردن‌ها چوشهرگ آشکاره (وحشی بافقی، ص ۶۰ ب ۱۰۲۰)

۲- وجه شبه متعدّد: (گداختن و از پا انداختن)

غم دل شمع سان بگداخت ما را
به صد محنت زپا انداخت ما را (همان، ۷۲۷)

۳- وجه شبه مرگب: نمایان شدن نور و روشنایی از درون چیزی (با توجه به بیت زیر):

فروغ ساعدش از آستین‌ها
چو نور شمع از فانوس پیدا (همان، ۴۰۳)

انواع وجه شبه از حیث عقلی و خیالی:

۱- تحقیقی ۲- تخیلی

وجه شبه از مهم‌ترین مباحث تشبیه است، زیرا مبین جهان بینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد تشبیه، وجه شبه مبنا محسوب می‌شود و نوآوری یا تقلید شاعر را نشان می‌دهد.
در وجه شبه تحقیقی، مایه‌ها و زمینه‌های شباهت مورد نظر، تا حدودی حقیقتاً در دو سوی تشبیه وجود دارد، در حالیکه در وجه شبه تخیلی، مورد شباهت در طرفین تشبیه یا یکی از آن دو خیالی و ادعایی است.

وحشی بافقی در این اثر، هم به مفاهیم واقعی و حقیقی توجه دارد و هم به مفاهیم تخیلی و انتزاعی علاقه نشان می‌دهد. و در هر دو نوع آن، چیره دستی زاید الوصفی از وی نمایان است. در بیت:
عروس خورچو شد زین حجله بیرون
به گوهر داد زیب جمله گردون (همان، ۲۰۰۷)

شاعر برای نشان دادن وجه شبه تحقیقی، تشبیه بلیغ عروس خور را به کار می‌برد که از مشبه به: عروس، صفت زیبایی به عنوان وجه شبه استنباط می‌شود. در بیت زیر، وجه شبه تخیلی که هنری تر و مبتکرانه تر است، دریافت می‌شود. زیرا شاعر صفت در پای براق افتادن را به ماه نسبت می‌دهد و این امر،

ادعایی و خیالی است و صحنه ای زیبا در مقابل دیدگان انسان مجسم می کند. ماه علاوه بر تشبیه که در بیت نمود ظاهری دارد، به صورت تصویر در تصویر استعاره نیز است.

چو با خود دید مه در یک وثاقش
چو نعل افتاد در پای براقش (همان، ۷۲۹)

انواع تشبیه به لحاظ شکل:

۱- مفروق ۲- جمع ۳- تسویه ۴- مضمّر ۵- تمثیل و ...

در این بخش، تشبیه مفروق بیشترین بسامد را داراست. «و آن چنانست که مشبه و مشبه به متعدّد ولی هر مشبهی با مشبه به خود باشد.» (صفا، ۱۳۶۸: ۵۳)

بنا بر این در این نوع تشبیه، هر مشبه در کنار مشبه به خود ذکر می شود. این امر نشانی دیگر بر سادگی زبان شاعر است.

نمونه ابیات تشبیه مفروق:

منم چون اشک خود در ره فتاده **به دشت ناامیدی سر نهاده** (وحشی بافقی، ص ۴۴۵ ب ۶۹۹)

چو نیزه خود آهن مانده بر سر
چو ششپیر، جوشن پولاد در بر (همان، ۹۶۶)

در «ناظر و منظور» تعدادی تشبیه جمع نیز به کار رفته است. «تشبیه جمع عبارت است از این که مشبه به متعدّد بوده ولی مشبه، به صورت مفرد باشد.» (هاشمی، ۱۳۸۰: ۲۶۵)

نمونه ی تشبیه جمع:

زبان او کلید گنج عرفان
به سان گنج در ویرانه پنهان (وحشی بافقی، ص ۴۳۰ ب ۳۵۷)

مشبه: زبان او / مشبه به ها: کلید گنج عرفان و گنج در مصراع دوم

لازم به ذکر است شاعر به انواع دیگر تشبیه در این بخش علاقه ای نشان نمی دهد لذا شاهد مثالی یافت نمی شود.

اینک به عواملی دیگر که بر زیبایی تشبیه، در «ناظرو منظور» مؤثرند، پرداخته می شود:

الف) اغراق در تشبیه:

اغراق شعر را شورانگیز و حیرت آفرین می کند. به همین سبب از عناصر عمده ی زیبایی به شمار می رود و از عوامل پیدایش تصاویر زیبا و تحیرآمیز محسوب می شود. «اغراق ناشی از شور و هیجان شدید عاطفی است و از نیروی خیال مایه می گیرد. بنابراین خود نوعی تصویر به شمار می آید.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۵۳)

وحشی بافقی این آرایه را در بسیاری از اشعارش با تشبیه همراه می کند و تصاویری نغم می آفریند. به جهت فراوانی بسامد و اهمیت این آرایه در ایجاد تصویرهای زیبا ابیاتی به عنوان شاهد مثال آورده می شود که نشانه ی برجسته نمایی و خارق العاده بودن ابیات است. شاعر بدین وسیله با بزرگنمایی تشبیهاتی را که از نظر عقلی پذیرفتنی نیستند به گونه ای با اغراق بیان می کند که نه تنها قابل پذیرش جلوه می کنند بلکه موجب لذت هنری و ادبی نیز می شوند.

نمونه ابیات اغراق در تشبیه:

صف مژگان او کز هم گذشته
کمین گاه هزاران فتنه گشته (وحشی بافقی، ص ۴۳۱ ب ۳۹۵)

شاعر برای به تصویر کشیدن جذابیت مژه ها و دلربایی چشمان شهزاده منظور، آن ها را به صفی تشبیه می کند که هزاران شیفته را فریفته خویش ساخته، به دام خود می اندازد.

همچنین برای تجسم غنچه ی لب «شهزاده منظور» این بیت را می سراید:

به تنگی زان دهان ذره مقدار
نفس راه گذر می دید دشوار (همان، ۱۳۷۸)

وی حالت نحیفی و تیره روزی «ناظر» را به خاطر دلدادگی چنین توصیف می کند:
 منم چون موی خود گردیده باریک چو شام تار روزم گشته تاریک (همان، ۱۱۲۶)
 در بیت زیر، با اغراق فراوان غمزه ی «شهزاده منظور» را به سپاه تاجدار و صف مژگانش را به خنجر
 گذاران مانند می کند و تصاویری تأثیرگذار خلق می کند:
 سپاه غمزه ی او تاجداران صف مژگان او خنجرگذاران (همان، ۱۳۸۴)
 لازم به ذکر است اغراق در «ناظر و منظور» به وفور یافت می شود حال آن که در خلد برین اثری از آن
 وجود ندارد.

ب) تراحم در تشبیه:

شاعر، چند تشبیه را با هم در یک بیت ذکر می کند. مهم ترین کارکرد تراحم در تشبیه، برجسته کردن
 جنبه های زیبا شناسانه ی ابیات است. همچنین به دلیل وجود چندین تشبیه در کنار یکدیگر و فشردگی
 ابیات، عمدتاً وجه شبه محذوف است. از این رو کلام از ایجاز بالایی برخوردار شده، لذت ادبی بیشتری را
 به همراه دارد. این تشبیهات تودرتو و فشردگی تصاویر زیبایی پدید آورده اند.
 نمونه ابیات تراحم در تشبیه:

چو پروانه دلم را اضطرابی چو شمع در رگ جان پیچ و تابمی (همان، ۲۲۲)
 منظره ای داشت چو قصر سپهر شمسه ی طاقش، گل زرین مهر (همان، ۱۱۴۲)

ج) تلفیق آرایه های دیگر و همراهی آن ها با تشبیه:

از دیگر شیوه های جالب توجه در اشعار وحشی بافقی تلفیق و به کارگیری آرایه های دیگر و همراهی
 آنها با تشبیه است که در ایماژ آفرینی نقش بسزایی داشته است.
 نمونه ی تلفیق مجاز و تشخیص با تشبیه:

در بیت: زهر سو غنچه بر آهنگ بلبل سرانگشت می زد بر دف گل (همان، ۱۱۷۱)
 شاعر به شایستگی به کمک آرایه های مجاز و تشخیص با تشبیه، تصاویر خیال انگیز و زیبایی از گلزار
 می سازد.

سرانگشت: (مجاز از ناخن)، دف گل: (تشبیه بلیغ اضافی)، سرانگشت زدن غنچه: (تشخیص) شاعر در
 ابیات بسیاری حسن تعلیل را به زیباترین شکل به کار می برد و با آوردن دلایل نغز و جالب، سبب اقناع
 درونی و التذات ادبی، همچنین پذیرش ذهنی تصاویر می شود.
 نمونه ی بیت تلفیق حسن تعلیل با تشبیه:

از آن رو صبح این روشندلی یافت که چون ما، در دلش مهر علی تافت (همان، ۱۷۱)
 دلیل روشنایی صبح به واسطه ی عشق ورزی به علی (ع) (که تجلی نور است) تفسیر می شود. همان
 گونه که وجود با عظمت علی (ع) به دلیل محبتش (ما) پرتو می افکند می تواند عامل روشنایی صبح نیز
 باشد.

همچنین شاعر با استفاده از آرایه های تناسب و اغراق و تلفیق آن ها با تشبیه، تصاویری زیبا خلق
 می کند.

نمونه بیت تلفیق اغراق و تناسب با تشبیه:

در بیت:

چه جذب است این کزین دریای اخضر به ساحل می دواند کشتی خور (همان، ۵۷)
 وی از یک سو با آوردن واژه های دریا، ساحل، کشتی و از سوی دیگر با واژه ی اخضر که می تواند
 قرینه ای برای دریا باشد و آن را به استعاره ی مصرحه از آسمان تبدیل کند. همچنین تشبیه خورشید به

کشتی، آن هنگام که کشتی به ساحل لنگر می اندازد خورشید نیز به سمت و سوی آرام و قرار خویش می دود؛ همگی پدید آورنده ی تصاویری دل انگیز و در عین حال اشاره به توجّه و تأمل انسان به پدیده ی خلقت و غروب خورشید دارد.

اینک انواع تشبیه، از حیث زاویه ی تشبیه بررسی می شود:

براساس زاویه ی تشبیه، (رابطه ی طرفین تشبیه) هر اندازه دورتر باشد تشبیه هنری تر است و در اصطلاح به آن تشبیه غریب می گویند که تصاویری دل انگیز می آفریند. «لطف تشبیه در غرابت آنست و دوریش از ابتذال.» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۶۷)

نمونه بیت تشبیه غریب:

زبان ازدها، برگ گیاهش خم و پیچ افاعی، کوره راهش (وحشی بافقی، ص ۳۶ ب ۵۰۷)
بنا بر این نگارنده ی این سطور با توجّه به تعریف تشبیه غریب چنین استنباط می کند که هر قدر زاویه ی دید تشبیه تنگ تر و شباهت بین مشبّه و مشبّه به واضح تر و نزدیکتر باشد، تشبیه غیر هنری تر است که در اصطلاح می توان آن را تشبیه مبتذل نامید. مانند: زهر مصیبت: (همان، ۵۰۹) گنج عشق: (همان، ۱۴)
در مثنوی «ناظر و منظور» بیشتر تشبیهات از نوع دوم است.

ب: فصل دوم) تحلیل مضمون و پیام تشبیهات:

۱) بررسی موضوعی پیام ها و تصاویر تشبیه:

کشف شباهت ها در میان عناصر طبیعی، انتزاعی، اشیا و ... سبب درک دقیق تری از ارتباط دو سویه ی تشبیه می شود و پویایی و تازگی تصاویر نمود بیشتری می یابد.

در «ناظر و منظور» دو رکن اصلی تشبیه شامل موضوعات گوناگونی است. در این اثر چند موضوع به مشبّه اختصاص دارد: موضوعاتی نظیر: عناصر انتزاعی، شهزاده منظور، عناصر طبیعی، ناظر و جانوران، در این اثر مرکز توجّه شاعر تقریباً به نسبت مساوی به سمت عناصر انتزاعی و شهزاده منظور معطوف می شود.
نمونه ی بیت در «ناظر و منظور» مشبّه: عناصر انتزاعی:

به تاج نامداری سربلندی به زنجیر عدالت ظلم بندی (همان، ۳۴۱)

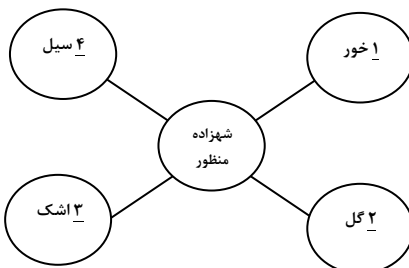
به جهت محدودیت حجم مقاله برای موضوعات ذکر شده وادارا بودن بالاترین بسامد در عناصر انتزاعی و شهزاده منظور صرفاً هاله های تصویری این دو مورد در زیر رسم خواهد شد.

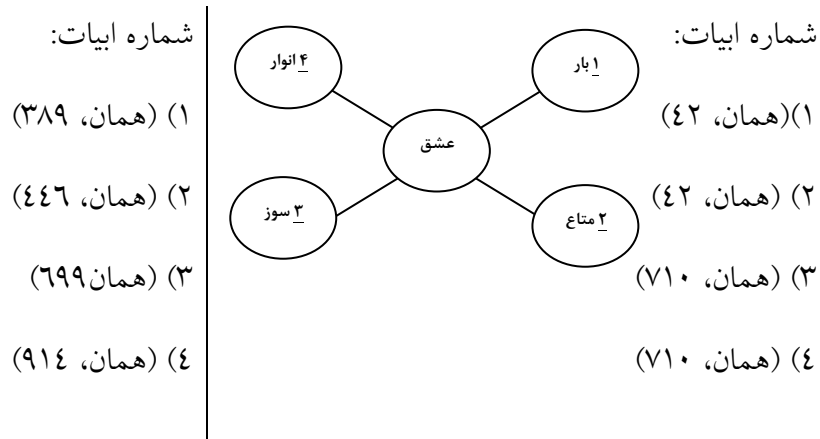
تقسیم بندی تصاویر در جایگاه مشبّه در ناظر و منظور:

۱- عشق (عناصر انتزاعی)

۲- شهزاده منظور

هاله ی تصویری تشبیه؛ مشبّه: عشق (عناصر انتزاعی) هاله ی تصویری تشبیه با مشبّه: (شهزاده منظور)





۳- عناصر طبیعی: پیک خور (همان، ۲۰۵)

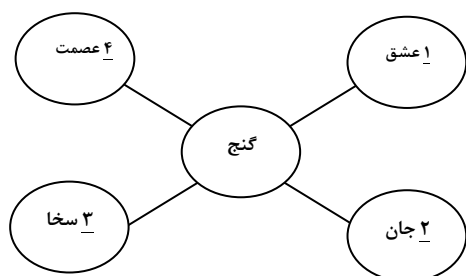
۴- شاعر: سحرخیزی بسی کردم چو خورشید: (همان، ۱۴۷۷)

۵- جانوران: ز نور آفتاب آن رخس چون برق (همان، ۱۷۸۵)

تشبیه به اعتبار موضوع مشبّه به:

مشبّه به از اصلی ترین ارکان تشبیه، مؤثرترین نقش را در تصویر آفرینی به عهده دارد. «درک دقیق مشبّه به، جهان بینی و شخصیت و محیط هنرمند را برای ما ترسیم می کند و از آن می توان به دنیای درون نویسنده و شاعر راه یافت.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۳۰)

در «ناظر و منظور» موضوع مشبّه به، منحصر به دو عامل اشیا و عناصر طبیعی می شود. در این اثر بیشتر تشبیهات از نوع عقلی به حسّی یا حسّی به حسّی هستند. مانند: شراب اجل: (ناظر و منظور، ص ۴۷۲ ب ۱۲۸۹) شمع خسرو: (همان، ۹۹۷): مشبّه به: اشیا از دیگر عوامل سازنده ی مشبّه به، عناصر طبیعی است. میزان بسامد اشیا و عناصر طبیعی در این اثر تقریباً برابر است این امر نشان دهنده ی علاقه ی خاصّ شاعر به اشیا پیرامون و امور طبیعی است که موجب تجسم گرای و توصیفات زیبا می شود. نظیر تشبیهات: گرداب غفلت: (همان، ۵۰) و مهد غصّه: (همان، ۸۰۵) که مشبّه به، به ترتیب در آن ها عناصر طبیعی و اشیا است.



هاله ی تصویری تشبیه، مشبّه به: گنج (اشیا)

شماره ی ابیات: (۱) (همان، ۱۴)

(۲) (همان، ۱۷)

(۳) (همان، ۱۹۸)

(۴) (همان، ۱۳۲۶)

اینک به ویژگی های دیگر اشعار وحشی بافقی در «ناظر و منظور» پرداخته می شود:

از اختصاصات دیگر اشعار شاعر گرایش به «توصیف» و جزئی نگاری است. یکی از شیوه های کلاسیسم و حتی ایماژیسم توصیف یعنی: رونویسی از طبیعت است. از آنجا که از ویژگی های مشترک مکتب وقوع و سبک هندی جزئی گرای می باشد. لذا شاعر در برخی ابیات، تا حد زیادی به توصیف گرای (ناتورالیسم) گرایش دارد. گویا وی به این امر مهم واقف بوده که «اصلی ترین رنگمایه ی

شعرا ایماژتشکیل می دهد. به عبارت دیگری توان شعرا نقاشی با کلمات تصور کرد. (فتوحی ۱۳۸۶: ۴۱۹).

شاعر در این اثر توصیف حالات، صفات و مناظر را در کمال زیبایی به تصویر کشیده است. وی در بخش بزمگاه سرور به زیبایی هرچه تمام تر اشعار زیر را سروده است:

عیان چون پای مرغابی زهر سوی	نهال سرخ بیدی بر لب جوی (وحشی بافقی، ص ۴۷۷ ب ۱۳۴۶)
زبان بهاری سبز و خرم	دماغ غنچه و گل تر ز شبنم (همان، ۱۳۴۷)
بنفشه زان در آب انداخت قلاب	که ماهی بد زعکس بید در آب (همان، ۱۳۴۸)
به تارک نارون را زان سپر بود	که از سنگ تگرگش بیم سر بود (همان، ۱۳۴۹)
به سوی ارغوان چون دیده بگشاد	شکوفه بر زمین از خنده افتاد ۰۰۰ (همان، ۱۳۵۰)

شاعر در بخش دیگر آنجا که رفتن شهزاده منظور را از مصر به سبزه زاری که از لطف نسیم او روح مسیحا تازه می شد و با فیض چشمه سارش خضر از آب زندگانی می گذشت به تصویر می کشد.

فضای دلگشایی دید منظور	عجب فرخنده جایی دید منظور (وحشی بافقی، ص ۴۶۹ ب ۱۱۶۵)
میان سبزه آبش در ترم	گلش از تازه رویی در تبسم (همان، ۱۱۶۶)
گرفته فاخته بر سروش آرام	زبان در ذکر باقمری در اکرام (همان، ۱۱۶۷)
عیان گردیده داغ لاله ی تر	به رنگ آینه کافتد در آذر (همان، ۱۱۶۸)
زهر جانب فتاده برگ لاله	چوپر خون پرده ی چشم غزاله (همان، ۱۱۶۹)
به بلبل در دهن خوانی چکاوک	کله کج کرده چون هدهد به تارک ۰۰۰ (همان، ۱۱۷۰)

شاعر به حجله رفتن منظور و توصیف زیبایی های معشوقه ی او را با به کارگیری واژگان ساده و صمیمی اما هنرمندانه آن چنان جذاب به تصویر کشیده است که برای خواننده این صحنه را کاملاً واقعی جلوه داده به گونه ای که زیبایی اشعارش با تمام وجود احساس می شود.

به سوی حجله شد منظور خوشحال به مقصودش عروس جاه و اقبال (وحشی بافقی، ص ۴۷۸ ب ۱۳۷۹)

زباغ دلبری قدش نهالی	رخش از گلشن جنت مثالی (همان، ۱۳۸۰)
از او خوبی گرفته غایت اوج	محیط حسن را ابروی او موج (همان، ۱۳۸۱)
سپاه غمزه ی او تاجداران	صف مژگان او خنجر گذاران (همان، ۱۳۸۲)
دو چشم او دوهندوی سیه دل	گرفته گوشه ی میخانه منزل (همان، ۱۳۸۳)
لب لعلش حیات جاودانی	به وصلش تشنه آب زندگانی ۰۰۰ (همان، ۱۳۸۴)

از ویژگی های دیگر اشعار وحشی بافقی (مکتب وقوع و واسوخت) ایجاد فضای اندوه و یأس می باشد. تصاویر بسیاری که حاکی از تنهایی، غربت و غم هجران اوست و نشان از دغدغه ی فردی وی دارد در ابیاتش نمایان است. گویی وی سرگشته ی دل دیوانه و محزون خویش است. تصاویری اتفاقی که حاصل تجارب روحی و عواطف درونی اوست به کردار جرّقه ای، ناگهان در ضمیر ناخودآگاهش نقش بسته و شعله وار و بالنده از جان خواننده ی اشعار می شکوفد و ساختار واژگان، الفاظ و زبان را درهم می نوردد. این تصاویر با نظریه ی سوررئالیسم تقریباً همخوانی دارد.

شاهد مثالی برای غم تنهایی شاعر:

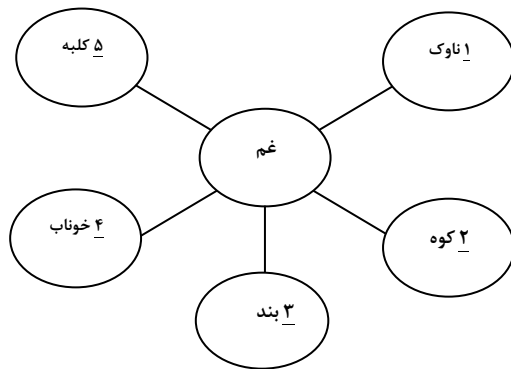
به بند بیکسی دایم گرفتار به سان عنکبوتی روی دیوار (همان، ۱۱۲۷)
 کاربرد فراوان واژگانی چون: غم، غصه و مصیبت از یک سو، نمایی از درد بیکسی شاعر دارد و از سوی دیگر به لحاظ ویژگی سبک و اسوخت برخی از کلید واژه های شعر شاعر محسوب می شود. تشبیهاتی که مؤید این مطلب هستند به همراه هاله های تصویری شان در ذیل خواهد آمد.

ناوک غم: (همان، ۱۰۹۴)، کوه غم: (همان، ۹۲۴)،

بند غم: (همان، ۲۲۵) خوناب غم: (همان، ۳۰۶)،

کلبه ی غم: (همان، ۶۱۰)

هاله ی تصویری تشبیه: واژه ی غم



شماره ابیات : (۱) (همان، ۱۰۹۴)

(۲) (همان، ۹۲۴)

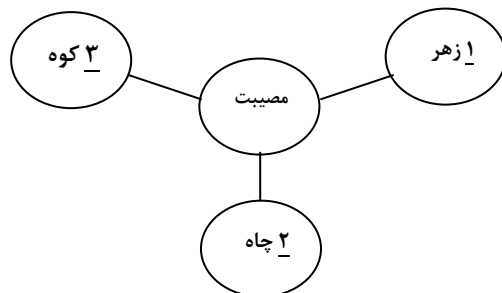
(۳) (همان، ۲۲۵)

(۴) (همان، ۳۰۶)

(۵) (همان، ۶۱۰)

زهر مصیبت: (همان، ۵۰۹)، چاه مصیبت: (همان، ۱۰۵۴)،

کوه مصیبت: (همان، ۱۱۱۹)،



شماره ابیات: (۱) (همان، ۵۰۹)

(۲) (همان، ۱۰۵۴)

(۳) (همان، ۱۱۱۹)

هنر نمایی و تصویرگری وحشی بافقی از آن جهت حائز اهمیت است که وی واژه های بسیار ساده و سلیس و گاه عامیانه را آنچنان با زبردستی و خرد ورزی خاصی با عناصر زیبایی آفرینی همچون: تشبیه، استعاره ی مصرحه، تشخیص، اغراق، مجاز، تناسب، حسامیزی و ... در اشعارش به کار می برد که علاوه بر التذاذ ادبی و خلق تصاویر زیبا، حاوی پیام های ارزشمند انسانی، اخلاقی و حکمی نیز می باشند. به گونه ای که گویا قصد وی از سرودن اشعارش، انتقال مفاهیم ارزشی به ساده ترین زبان و در خور فهم

عموم مردم است. مضافاً با توجه به بیت پایانی مثنوی «ناظر و منظور» شاعر خواسته های قلبی خویش را چنین ابراز می دارد که:

قبول خاص و عامش ساز یارب به خاطرها مقامش ساز یارب (همان، ۱۵۰۶)

لذا با عنایت به این شعر این گونه استنباط می شود که وی یقیناً نگاهی ویژه به انسان های فرهیخته و خواص نیز داشته است و نقد و تحلیل اشعارش همواره مرهون توجه ادیبان بوده و هست تا آنجا که نظر بزرگان ادب، از گذشته تا به امروز نسبت به وی مثبت بوده است. امین احمد رازی صاحب کتاب هفت اقلیم ارادت خود را به وحشی بافقی چنین بیان می کند: «مولانا وحشی به لطف طبع، ناظم مناظم خوشگویی است لآلی آبدار، مثنویش زینت قلاده ی فصاحت است. (رازی، امین احمد، ۱۳۵۷: ۱۸۲).

معاصرانی نظیر: رشید یاسمی، مدرّس تبریزی، دکتر صورتگر، ایرج افشار و ... نیز نظری مساعد نسبت به شاعر و اشعارش از خود نشان داده اند.

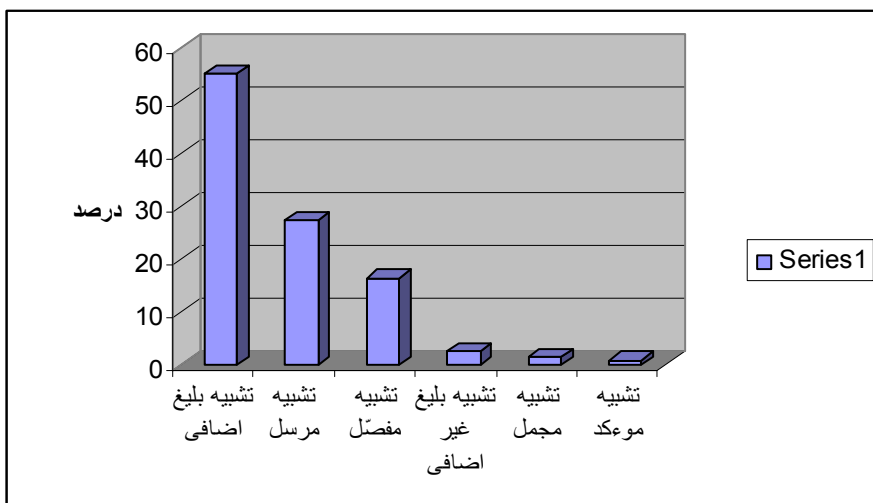
با توجه به تعاریفی که از بهترین و ناقص ترین تشبیهات ارائه شده است: «بهترین تشبیهات آن بود که معکوس توان کرد و ناقص ترین تشبیهات آن است که وهمی بود.» (رازی، شمس قیس، ۱۳۷۳: ۱۸۹). می توان مثنوی «ناظر و منظور» را در ردیف تشبیهات متوسط دانست. زیرا در ابیات این اثر نه از تشبیهات معکوس خبری است و نه از تشبیهات وهمی.

جدول ۱ مشخصات آماری تشبیه از دیدگاه ادات تشبیه و وجه شبه

درصد	فراوانی تعداد	مشخصات آماری
		انواع تشبیه
۵۵	۱۱۰	تشبیه بلیغ اضافی
۲۷/۵	۵۵	تشبیه مرسل
۱۶/۵	۳۳	تشبیه مفصل
۲/۶۹	۷	تشبیه بلیغ غیر اضافی
۱/۵	۳	تشبیه مجمل
۱	۲	تشبیه مؤکّد

نکته: تعداد کل تشبیهات ۲۰۰

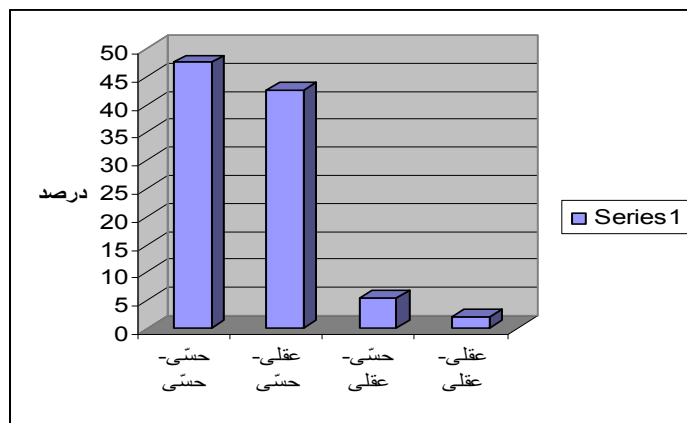
نمودار ۱ مشخصات آماری تشبیه از دیدگاه ادات تشبیه و وجه شبه



جدول ۲ مشخصات آماری ادات تشبیه به اعتبار طرفین

درصد	فراوانی تعداد	مشخصات آماری انواع تشبیه
۴۷/۵	۹۵	تشبیه حسّی - حسّی
۴۲/۵	۸۵	تشبیه عقلی - حسّی
۵/۵	۱۱	تشبیه حسّی - عقلی
۲	۴	تشبیه عقلی - عقلی

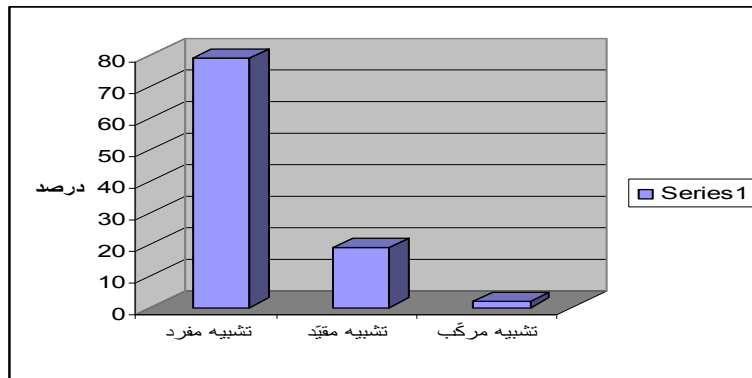
نمودار ۲ مشخصات آماری تشبیه به اعتبار طرفین



جدول ۳ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ مفرد-مقیّد-مرکّب

درصد	فراوانی تعداد	مشخصات آماری انواع تشبیه
۷۹	۱۵۸	تشبیه مفرد
۱۹	۳۸	تشبیه مقیّد
۲	۴	تشبیه مرکّب

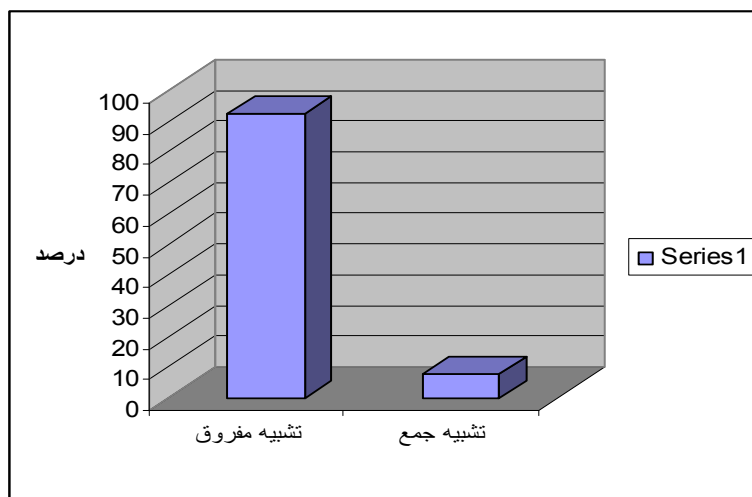
نمودار ۳ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ مفرد- مقید- مرکب



جدول ۴ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ شکل

درصد	فراوانی تعداد	مشخصات آماری انواع تشبیه
92/5	185	تشبیه مفروق
7/5	15	تشبیه جمع

نمودار ۴ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ شکل



حاصل سخن:

کوتاه سخن این که تصویر فرزند نگرش و عاطفه است. شاعر به واسطه ی نبوغ خدادادی خویش و با به کارگیری قوه ی تخیل، تصوّر و تدبّر خود نسبت به جهان پیرامونش، تأثرات و تجسّمات زودگذر و ناپایدار را جاودان می سازد و با نیروی خلّاقه اش دست به آفرینش ادبی می زند و شعر را پدید می آورد. وی اندیشه ها و تجربیاتش را با تخیل در آمیخته و چاشنی کذب و ادعا بر آن افزوده و آرایه ی دلپذیر تشبیه را رقم می زند. هر قدر پیوند تصویر با شور و شعور شعری محکم تر باشد صدق هنری آن نیز قوی تر خواهد بود.

وحشی بافقی با استفاده از انواع تشبیهات در حوزه ی تصویرسازی و مضمون آفرینی خوش درخشیده است. تشبیه به عنوان یکی از عناصر تصویر ساز کلام، در مثنوی «ناظر و منظور» بالاترین بسامد را دارد. از حیث ساختار شامل تشبیهات مرسل، مفصل، مؤکّد، مجمل و بلیغ می باشد. تشبیه بلیغ اضافی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می دهد.

از ویژگی های سبکی شاعر می توان به مواردی نظیر: استفاده از حروف الفبا در جایگاه طرفین تشبیه، به کارگیری واژگانی همچون: به رنگ، برصورت، صفت، عین، آسا، سان و ... در مسند ادات تشبیه، توجه خاص به تشبیه بلیغ که از زیباترین و رساترین انواع تشبیهات محسوب می شود، ساختن تشبیهات حسّی به حسّی در بالاترین بسامد به جهت زبان ساده و بی پیرایه ی شعر وی، خلق تصاویر با تشبیهات مرکّب و وجه شبه تخیلی به زیباترین شکل؛ توصیف و جزئی نگاری، تزاخم در تشبیه، تلفیق اغراق، تشخیص، تناسب، حسن تعلیل به همراه تشبیه اشاره کرد. در بررسی تشبیه به لحاظ شکل، تشبیه مفروق توجه شاعر را بیشتر به خود معطوف می کند و در این بخش، بالاترین بسامد را داراست.

در مقوله ی موضوع تصاویر در حوزه تشبیه، در «ناظر و منظور» موضوعات مشبّه را به ترتیب بسامد، عناصر انتزاعی، شهزاده منظور، عناصر طبیعی، ناظر و جانوران شامل می شوند که به جهت گوناگونی موضوع، تصاویر متنوعی پدید می آید. واژگانی از قبیل: مصیبت، غم، عشق بارها برای تجلّی هنر شاعر و تمایلات روحی وی به کار گرفته می شود.

در «ناظر و منظور»، موضوع عناصر سازنده ی مشبّه به را بیشتر اشیا و طبیعت تشکیل می دهند. واژه هایی چون: گنج، شمع، کوه فراوان در ابیات دیده می شوند و تصاویری نغز پدید می آورند، هاله های تصویری رسم شده نشان از درخشش وحشی بافقی در حوزه ی تصویر سازی و مضمون یابی به کمک تشبیه در سرودن مثنوی «ناظر و منظور» دارد. تصاویر در خدمت معانی ذهنی شاعر و القای معنی و مفهوم مورد نظر او هستند و نمایی از درک شاعرانه ی وی را به تصویر می کشند.

منابع و مأخذ:

- ۱- براهنی، رضا، طلا در مس «در شعر و شاعری» انتشارات میثاق، تهران، ج ۱، ۱۳۷۱ ش.
- ۲- پورنامداریان، تقی، سفر در مه، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ۳- تجلیل، جلیل، معانی و بیان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۴- ثروتیان، بهروز، بیان در شعر فارسی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۵- جرجانی، عبدالقاهر، اسرارالبلاغه، ترجمه ی جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۶- رازی، امین احمد، هفت اقلیم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- ۷- رازی، شمس الدین محمد قیس، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۸- رشیدالدین وطواط، حدائق السحر فی دقایق الشعر، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال «آشتیانی» سنایی - طهوری - تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۹- زرین کوب، عبدالحسین، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، انتشارات مهارت، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۰- سکاکی، مفتاح العلوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۱- شفیع کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۲- - - - - موسیقی در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۳- شمیسا، سیروس، بیان، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۴- صادقیان: محمد علی، طراز سخن، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۵- صفا، ذبیح... آیین سخن، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۶- فتوحی رود معجنی، محمود، بلاغت تصویر، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۷- فرشید ورد، خسرو، درباره ی ادبیات و نقد ادبی، انتشارات سپهر، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۸- کیکاووس بن اسکندر، امیر عنصرالمعالی، گزیده ی قابوس نامه، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سپهر، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۹- واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ویراسته، میر جلال الدین کزازی، انتشارات معراج، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۰- وحشی بافقی، دیوان، مقدمه سعید نفیسی، حواشی و تعلیقات م. درویش، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۱- هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، مترجم دکتر محمود خور سندی، حمید مسجد سرایی، انتشارات فیض، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۲- همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات طوسی، تهران، ۱۳۶۳ ش.